

دست‌نوشته اخوان ثالث در دفتر یادداشت رهبر انقلاب

۶ شهریور ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۰۷

دست‌نوشته مرحوم اخوان در دفتر یادداشت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت سالگرد درگذشت مهدی اخوان ثالث -شاعر معاصر منتشر شد.

به مناسبت سالگرد درگذشت مهدی اخوان ثالث -شاعر معاصر دست‌نوشته‌ای از آن مرحوم را که در سال ۱۳۴۱ در دفتر یادداشت آیت‌الله خامنه‌ای نوشته شده منتشر شد. این سند مهم تاریخی که برای اولین بار منتشر شده، نشان از رابطه عمیقی دارد که بین رهبر معظم انقلاب اسلامی با این شاعر صاحب سبک در سالهای ابتدایی دهه ۴۰ وجود داشته است. متن این یادداشت بدین شرح است:

صبحی

- «در این شبگیر

کدامین جام و پیغام صبحی مستان کرده‌ست ای مرغان،

که چونین بر برهنه شاخه‌های این درختِ برده خوابش دور،

غریب افتاده از اقرانِ بستانش درین بیغوله مهجور،

قرار از دست داده، شاد می‌شنگید و می‌خوانید؟

خوشا، دیگر خوشا حال شما، اما

سپهر پیر بد عهد است و بی‌مهر است، میدانید؟»

- «کدامین جام و پیغام؟ اوه

بهار؛ آنجا نگه کن، با همین آفاق تنگ خانه تو باز هم آن کوهها پیداست.

شنل بر فینه‌شان دستارِ گردن گشته، جنبد جنبشِ بدرود.

زمستان گو بپوشد شهر را در سایه‌های تیره و سردش،

بهار آنجاست، ها آنک طلایه‌ی روشنش، چون شعله‌ای در دود.

بهار اینجاست، در دل‌های ما، آوازه‌ای ما

و پرواز پرستوها در آن دامنِ ابر آلود

هزاران کاروان از خوبتر پیغام و شیرینتر خبر پویان و گوش آشنا جویان،

تو چشمنفتی بجز بانگ خروس و خر

در این دهکوره دور افتاده از معبر؟»

«چنین غمگین و هایاهای

کدامین سوک می‌گریاندت ای ابر شبگیران اسفندی؟

اگر دوریم اگر نزدیک

بیا با هم بگیریم، ای چو من تاریک.»

سروده شده در اسفند ماه ۱۳۳۹ در تهران

قطعه «صبحی» به اسلوب جدید نیمائی سروده شده است و در قالب آزاد عروضی که مقید به قید «تساوی طولی مصرعها» نیست. هر مصرعی مستقل از دیگری، چندتائی از افاعیل و ارکان بحر اصلی شعر (هزج سالم) را شامل شده. مطابق این اسلوب نیمائی در هر بحر از بحور متداول عروض که شعر سروده شود، مصرعها بنا بخواست و بنا به حاجت سراینده شعر کوتاه و بلند اختیار شود، یعنی قبلاً قالبی معین و مشخص وجود ندارد که شاعر در آن قالب کلمه بریزد بلکه اختیار قوالب در هر قسمت بمیل و بنا باقتضای طبع و سیاق جمله‌بندی شاعر است.

فی‌المثل مصرعی شامل پنج رکن است و مصرعی دیگر شامل یک یا دو رکن یا مزاحف یک رکن، و کمتر و بیشتر، و قس علیهذا و هلمّ جراً. اما در عین حال که شاعر در کار خواتیم و اختیار مقدار ارکان هر مصرع آزاد است، مقید باین هست که وزن و بحر را رعایت کند و شروع مصرعها خارج آهنگ و اشتباهاً به بحر ناهماهنگ دیگری نرود و در همان بحر اصلی مختار باشد و در خواتیم مصرعها با استفاده از قافیه و نیز زحاف اشباعی استقلال هر مصرع حفظ شود که شعر بشکل بحر طویل در نیاید. فی‌المثل در این قطعه «صبحی» که در بحر هزج سالم نیمائی است وزن بند آخر شعر بر اینگونه است.

«مفاعیلن مفاعیلات

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

مفاعیلن مفاعیلات

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلات»

و هکذا باقی مصراعها که همه در بحر هزج سالم آزاد نیمائی است با «مفاعیلن» شروع میشود و به «مفاعیلات» (زحاف اشباعی) یا «مفاعیلان» یا «مفاعیلن» خاتمه میکند و حتی‌المقدور خواتیم مصرعها زحاف اشباعی دارد یا لااقل در هرچند مصرعی یک خاتمه اشباعی دارد که شعر از حالت بحر طویلی خارج گردد. استقلال مصرعها در عین حال بوسیله قوافی شعر نیز ضمانت میگردد (مطابق اسلوب قدیم). توضیح آنکه در این شیوه قوافی غالباً برای پایانبندی مصرعها و نیز برای زینت شعر و تداعی و یادآوری بکار می‌آید و بیشتر در مختتم جملات شعری است فی‌المثل در بند اول «دور» و «مهجور» و نیز «میخوانید» و «میدانید» قافیه دارند و در بند دوم «بدرود» و «دود» و «ابرآلود» (در پویان و جویان هم سجعی است) و «خر» و «معبر» و در بند سوم «نزدیک» و «تاریک» قافیه دارند.

در سفینه‌ها و دفترهای ازین قبیل که دوستان و آشنایان یا دوستداران شعر منجمله نزد منم میفرستند تا یادگاری در آنها بنگارم، غالباً اگر اهل شعر نو و اسالیب جدید باشند، غزل و رباعی مینویسم و ازین قبیل، اما اگر اهل شعر کهن باشند ازینگونه شعرهای جدید می‌نویسم، تا تنوعی بدفتر داده شده باشد. در دفتر شما حبیب شفیق آقای خامنه‌ی که همین تازگی بافتخار [آشنائی] با آن عزیز نائل آمده‌ام از هر دو نوع نگاشتم و مختصر شرحی نیز در خصوص قالب این قطعه صبحی برافزودم تا یادگار کاملتر باشد و بعضی ناآشنایان این شیوه که احياناً این دفتر بدستشان میافتد به توضیحی نیاز نداشته باشند و دانسته باشند که شعر نو هم پر بیقاعده نیست و دشنام لایق بعضی «آثار خزعل موسوم به نو» را بر آشنایان اهل نثار نکنند! این مختصر اشاره راجع قالب و شکل ظاهری شعر بوده، در تعریف شعر حکما و ادبای قدیم گفته‌اند: «کلامی است مخیل و موزون و مقفی و متساوی» و وزن را «کیفیت ایجاد فقرات و نظمی در زمان و تقسیم زمان به فقراتی منظم» تعریف کرده‌اند و قافیه را «تشابه اواخر ادوار» گفته‌اند یا: «تکرار جزئی از قسمت اخیر مصرعها بشرط اینکه بعین تکرار نشود که اگر بعین تکرار شد، آن ردیف است و قافیه پیش از آن است» در این اسلوب جدید نیمائی چون قید «تساوی» مصرعها زده شده است بنابراین «دور» هم از آن شکل قدیم بیرون آمده است و بآن شیوه قدیم «تشابه اواخر ادوار» وجود ندارد و ازینرو قافیه هم شکل و شمایل تازه‌ای می‌یابد و بیشتر برای زینت کلام و تداعی جملات پیش و استقلال خواتیم مصرعها میباشد، چنانکه گذشت و اما از لحاظ معنی و محتوی این قطعه عبارت است از گفتگوئی خیالی بین سراینده آن با مرغانی که بامداد پگاه، شبگیر، بر درخت گرم و شاد و شیرین آواز خوانی میکنند که: کدام جام صبحی مستان کرده است در بند دوم مرغان جواب میدهند که ما را آمدن بهار مست کرده، افق خانه تو محدود است که هیچ جا را نمی‌بینی و هیچ خبری را نمی‌شنوی، بهار آنجاست و اینجا در دل‌های ما و در بند سوم خطاب سراینده به ابر است، که غمگین و سوگوار می‌گرید و می‌بارد و سراینده که از قیاس شادی مرغان با غمهای دائمی و بسیار خود دل شکسته مانده است، باو میگوید که بیا با هم گریه کنیم.

و اینک یک رباعی:

گر زری و گر سیم زراندودی، باش

گر بحری و گر نه‌ری و گر رودی، باش

در این قفس شوم چه طاووس چه بوم

چون ره ابدی است، هر کجا بودی، باش

بیادگار آشنائی در دفتر آقای خامنه‌ای

نوشته آمد در اسفند ماه ۱۳۴۱

در تهران - مهدی اخوان ثالث -

م. امید خراسانی

(۴۲)

صبحی

- در این شبگیر

کدامین جام و پیغام صبحی مستان کرده است ای سرغان ،
که چنین بر برهنه شاخه های این درخت برده خوابش دور ،
غریب افتاده از اقرار بتافش درین بغوله مجبور ،
قرار از دست داده ، شاد می شنگید و می خوانید ؟
خوشا ، دیگر خوشا حال شما ، اما
سپهر پیر بد عهد است و بی هراس است ، میدانید ؟

—

- کدامین جام و پیغام ؟ اوه

بهار ، آنگاه که کن ، با همین آفاق تنگ خانه تو باز هم آن کوهها پیداست .
شکل بر فینه شان دستا بردن گشته ، جنبه جنبش بد رود .
زمستان گو پیوسته شهر را در سایه های تیره و سردش ،
بهار آنگاه است ، ها آنک طلائی روی روشش ، چون شعله ای در دود .
بهار اینجا است ، در دل های ما ، آوازهای ما
و پرواز پرستوها در آن دامان لبر آلود
نزاران کاروان از خوبتر پیغام و شیرین تر خبر پویان و گوش آشنا جویان ،
تو چشمتی بجز بانگ خروس و خر
در این دهکورد و راقصا ده از محبر ؟

—

- چنین نمکین و ...



دست نوشته مرحوم اخوان ثالث
در دفتر یادداشت آیت الله خامنه ای

(۹۹)

هنگامی که گذشت و اما از لحاظ معنی و معنوی این قطعه عبارت است از گفتگوی خیالی بین سرانسیه آن
 به مسافری که با داد نگاه، شکله، بر درخت گرم و شاد و شیرین آواز خوانی میکنند که: کدام جام صبر می
 مستان کرده است در بندم مرغان حباب می دهند که با آمدن بهار می رسد کرده با فوج خانه تو بخانه
 است کیچ که را نمی بینی و هیچ خبری نمی شنوی بهار آید است و اینجا در دلهای ما و در بند سوم خط
 سرانسیه با ما است که نمکین و نوکوار می گردوی با در سرانسیه که از قیاس می روی مرغان با چوبی
 را نمی بیند و خود دل شکسته مانده است، با و میگوید که بیایم با هم گریه کنیم.
و اینک یک رباعی:

گر نری و گریه ز راند دودی، با من
 گر بجری و گریه ز گریه دودی، با من
 در این قفس سوم چه ط دوس چه بوم
 چون ره ابدی است، هر کجا بودی، با من

بیادها را آشنایی در دفتر ۱ خامنه ای
 نوشته آید در اسفند ۱۳۴۴
 در تهران - مهدی اخوان ثالث
 ۳. امیر خلیلی



دست نوشته مرحوم اخوان ثالث
 در دفتر یادداشت آیت الله خامنه ای

(زحاف استباهی) یا «معاصلین» خاتمه میکنند و حتی المقدور خاتیم مصرعها زحاف
 دارد یا که اقل در هر چند مصرعی یک خاتمه استباهی دارد که مقرر از حالت بحر طویل خارج گردد. استقلال بعضی
 عین حال بر سبب قوافی بیشتر صفاست مگر در (مطابق اسلوب) قوافی آنکه در این شیوه قوافی غالباً برای
 پای بندیه مصرعها و غیر برای زینت شعر و تداعی و یادآوری بکار می‌رود و بیشتر در ختم مصرع و آخر اسمی
 در بند اول «دور» و «موجود» و نیز «مخوانید» و «میدانید» قافیه دارند و در بند دوم «برود» و «دور»
 و «اسرا بود» (در بیان وجود این هم بعضی است) و «خر» و «مهر» و در بند سوم «نزدیک» و «نارنگ»
 قافیه دارند. در سبب این و غیره از این قبیل که در میان آشنایان یا دوستان از شعر مقرر تر و مهم
 می‌شوند تا یکدیگر را در آنجا می‌خوانند و غالباً اگر اهل شعرند و آب لب حیدیه باشند، غزل و رباعی
 می‌نویسند و از این قبیل است اگر اهل شعر کس باشند از تکیه نه شعر کس حیدیه می‌نویسند، تا تنه‌ای به دفتر دارند
 باشد. در دفتر تا حبیب شفیق آقای خا فنی که همین تا رگی با قفا را آن عزیز با آن اسم از سر رفت
 گاه شتم و مختصر تر من نیزه محض تا لب این قطعه مصرعی برافزودم تا چه کار؟ مگر با دوستی است
 این عشقه که احیاناً این دفتر به تشابه فتنه به تو منشی نیا ز نام شسته باشند و دانسته باشند که مقرر نوهم که
 بنیادین نیست و در تمام کتب معنی آن را جز علی محرم بنو را به آشنایان اهل شعر نگفته! این مختصر
 است که را جمع تا لب شکیل که چیزی می‌گوید، در معرفت شعر صفا و ادبای قدیم گفته اند: «کلای است شکیل و
 نردون و متقی و سادی و وزن را» که کثرت اینها فقرات و نظمی در زبان و قافیه نردون به نظر
 شطرنج «مردنیکه اند» و قافیه را «دست به او اضرادوار» گفته اند: «مگر اضرادوار از قسمت قافیه
 مصرعها شبیه آنکه صفت مکرار نشود که اگر صفت مکرار شد، آن مدیف است و قافیه صفت از آن است
 در این اسلوب جدیدی که چون قید «تادی» مصرعها زده شد است تا برای «دور» هم از آن
 شکل قدیم بیرون آمدند و بآن شیوه قدیم «تادی» اضرادوار و همچون نردون از قافیه هم شکیل
 و نردون تا زده ای می‌باشد و بیشتر برای زینت مقرر و تداعی محلات پیش راسته خاتیم مصرعها می‌باشد،



دست نوشته مرحوم اخوان ثالث
 در دفتر یادداشت آیت الله خامنه‌ای

«چنین نمکین و هایای های
کدامین سوک می گردانند ای ابرشگیران لافندی؟
اگر دوریم اگر نزدیک
بیا با هم بگریم ای چمن تاریک»
سروده شده در اسفند ۱۳۴۹ در ۱۳۴۹

قطعه «مصری» به اسلوب جدید نیایش سرود و هم است و در قالب آزاد عروضی که مقدمه بر
مقایسه ای طولی مصرها و شیب مصری مستقل از دیگری است. حین آنکه از انجیل و ارمان بجز اصلی مصر (مصر) است
و است لایحه. طبع این اسلوب نیایش در هر خط به یک مصرع اول عروضی که شعر سرودن است. مصرعها با نحو است و
نمایه به جبهه صراحت مصر که در این اسلوب نیایش، یعنی قیاسی معنی و شقی و همچنان در کتب هر در آن قالب کلیه
بقیه اختیار و قالب در هر قسمت به یک و بنا به تقاضای طبع و سلیقه هر شاعر است. یعنی مصرع می باشد و هیچ
است و مصرعی دیگر که به یک و دو کس یا نیز افعال یک کس، و کمتر و بیشتر، و پس مدونه او هلم خبراً، اما
در همین حال که در هر در و خواتیم و اختیار مصرع و از آن هر مصرع آزاد است، معین به این حد که وزن
و بحر و طبع است که در مصرعها فارسی آهنگ و است و اینها نیز به هر چه خواهد بود و دیگری سرود و در پایان بجز اصلی
نمایه به و سرود و خواتیم مصرعها با استفاده از قافیه و تکرار و است و این است و است و این است و این است و این است
بجای هر طبع در نیایش. یعنی این قطعه مصری که در هر مصرع به یک و دو کس یا نیز افعال یک کس، و کمتر و بیشتر، و پس مدونه او هلم خبراً، اما

«مفاهیم مفاهیم»

مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم

مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم مفاهیم

و هکتا باقی مصرعها که در هر مصرع به یک و دو کس یا نیز افعال یک کس، و کمتر و بیشتر، و پس مدونه او هلم خبراً، اما



دست نوشته مرحوم اخوان ثالث
در دفتر یادداشت آیت الله خامنه ای

